

چشم کلیم مرتضیٰ حقیقی اختلاف خانواده ها لطفا بخوانید امروزه مسئولین --
فقط از فکر و دینیتان بگویند و نه دینیتان را بشناسند و چاکتلا فحش در مال و مقام
کسی ندارد مردم محتاج محبت هستند بیائید محبت کردن را تمرین
کنیم ادامه را بخوانید

از زیاده خواهی در خانواده شخصیت خود را نگهدارید

از دواج یک امر مهم است در زندگی بشری این
امر را باید محترم شمرد چون از دواج با عمر بشری
سروکار دارد باید خیلی محتادانه عمل کرد
اگر سرسری گرفته شود عمر را آتش میزند شما علی
ع را ببینید بعد از حضرت زهرا س مدتی مجرد ماند
هر که معرفی کردند قبول نکرد در آخر فرمود چون زن
شیر به کودک خواهد داد و شیر مادر است که کودک را
موفق یا غیر میکند لازم است زنی بگیرد که هم
شجاع باشد و هم با عفت و وقار تا بتواند به بچه های من
تاثیر کند که رفتند جناب فاطمه ام البنین س را
گرفتند که حضرت ابوالفضل ع از آن پرورش یافت پس
زن و خانواده زن و مادر زن خیلی در زندگی دخیل است
پس شما وقتی دختری را میگیرید اول به مادرش

نگاہ کنید اگر مادر باشوہر خود سازگار و کدبانہ بود
دخترش همان خواهد بود زنیکہ احترام شوہر ندارد
واہل اسراف است نمیتواند دخترش زن ایدہ آل
باشد بعدباید 10 سال زن از مرد کوچک باشد وزنی
را بگیری کہ از نظر مادی و معنوی کمتر از خودت
نباشد وبالترہم نباشد ہم کف خود را پیداکن واما
پسر باز پدرش را نگاہ کن اگر پدر باوقار و مرد بود
پسر همان خواهد بود چون پسران از مادر
و پدر الگو میگیرند پسریکہ صبح تا شب درس چهارراہ
باشد از آن شوہر نمیشود گول این پسران فروری
را نخورید سعی کنید باکسی ازدواج کنید کہ امراض
داخلی و افسردگی نداشته باشد دنبال دانش یا صنعت
باشد بعد از ازدواج

کسان مرد و یازن را در زندگی دخالت ندهید روز اول
با احترام بگوئید مادریا مادرزن بی زحمت درخانہ ما
دخالت نکنید لازم شد خودمان میگوئیم نگذارید
مادران ہر دو طرف دخالت کند مواظب خالہ های
خود باشید بطورکل احدی را اجازہ دخالت ندهید
وقتی مادری خواست درخانہ شما بگوید جای این
یخچال یا غیرہ خوب نیست بگوئید مادریا ما
کار نداشته باش

2 **قناعت** کوه چ تدور شه د قناعت هزاره قناعت اولداشته باشد شوهر و رشکست خواهد شد قناعت این نیست که نخورید نه یعنی اضافه نباشد در سفره چند رقم خورش حرام بدانید وقتی عادت به قناعت کردید بچه ها عادت میکنند برای بچه ها قناعت یاد بدهید

3 **در خردی** هر کس که باشد در حد امکان به خانه نبرید در بیرون دوست باش بخانه نبرید مردوزن نامحرم با تمام عفت واعتقاد مثل بنزین و آتش است 3 در سفره زن و مرد را باهم ننشانید 4 خانم پیش شوهرت با سروسینه باز به مرد نامحرم دیده نشو و خنده در پیش مرد نامحرم اولین کلید بدبختی است مگو که فلانی آدم خوب است

3 **خواری** خسته شدن در مرد مثر خیر و اب مکن بلکه 5 **تفریق** می توانید 4 **اقتضای** مکن از خرید غیر ضروری پرهیز کنید 5 = اگر دهان **مخال** مریگام و فلان مکنش گووه گرا با رفتند

دکتر تا طرف بدانند و بر طرف کند 6 در خرید لباس باهم باشید هر رنگی که همسر پسند کرد بخريد 7 در خانه تا حد توان بهداشتی باید و سرو وضع خود را درست کنید تا دلپسند شويد برای کوچۀ آرایش **بختگافه اولی دافوت - این دیگر را از حمام** سیر نگه دارید وقتی شوهر در خانه آسایش **و این شنبو تا بدنبال بر زن دیگر نمی شود وزن هم** همانطور در هر خانه رختخواب گرم باشد اختلاف به صفر میرسد 9 - هزینه را به مقدار نه زیاد بدست زن بدهید زنان قناعت دارند هم خودت وهم زن راحت باشد مواظب باش کلیه مال را بدست زن نده به مقدار لازم و بس

بهر روز و وقت خود را بگمراهی و گمراهی و گمراهی و گمراهی
بودی لازم نیست بگوئی در اول ازدواج

بیا گو گفتگو وقت نگذازد. انگریکی از شما
سرد مزاج است برای نزدیکی رغبت
ندگو که در دوستی ندارد نه مریض است
از گز آخه چه سوز و زنی دایا مریدان شویی
همسری فکر دوست غریبه باشید 14 =
اگر از تیپ مردی خوشتر میآید آن تیپ
رابه شوهرت درست کن و سعی
درو فاداری کنید

مثل چه مقام از کس میسر دینیل - نیست که
بزرگان گفتند در خانه ای که مرد وزن
نامحرم نشسته باشند آن سقف را
به سرشان خراب کنید بابا خلاق
بدون منفعت دلسوز کسی نیستند
توقع دارند

16 لثم درم نالافہ کوگز =
نہفیندا ازیت گلویم تواری کسی رد
نہپوشان 17 = دقت پیش
ہوگوائی جنوگ کشین قطع رابطہ باشد
هیچکس خوش ندارد کسی
از پدر و مادرش بدبگوید

18 مدنیآرد ہ کی بلطم =
ہر دراد فاللتخا ناکما
ی فالخ ن وریبردیرگا وگمرسمہ
بیعزای ئوگب تسین مزالی راد
دیئوگن رسمہ ش پیدوخ ناسدک
دیہدن ی سدک ہ بار ہ ناخرارسا

19 ردامولو ش پیرد م ناخ =
س ابدل ی روط م رحمان نامهم
پیشوی چون بتدی مثل گل معلوم
گل باید خارداشته باشد
مگذار کسی ازتوسوء استفاده
کند 20 = در منزل کمک کردن
کارتیو خانگوان که مردهستم
چرا ظرف بشویم

پیش بچه ها بالباس
زیر حاضر نشوید روزی جوانی
از خانه رفته بود مرا واسطه

کردند جوان گفت فلانی
در کودکی دیدم مادرم با لباس
نازک پیش عمویم راه
می‌رود و عموزیرچشمی نگاه
می‌کند من نمیتوانم مادریکه
از نامحرم پرهیز ندارد با
اوزندگی کنم == خاله ای
بالباس خیلی مستهجن پیش
خواهرزاده اش رفت
و آمد کرده بود بطوریکه
موهای بدنش معلوم شده

بود خواہرزادہ دست خاله
راگرفته زناکرده بود پس
از خود و خیالی تو را کاشتنش داری
اجازہ نده خود را در معرض
دید قرار دھید بخدا عقب
مانده نمیشوید با پوشیدن
خود و دوری از نامحرم عقب
مانده نمیکند باشوہرت باش
خیال کن مرد دلخواہت است

21 دیر ادوگموگبری تقو =
دلزار طرف ارید مگوکه من
اگر جلو بیفتم آشتی کنم
کوچک میشوم پیش چه
کسی کوچک میشوید ؟

22 یدش ه ناخدر او =
ی شایزه هتسرخ م ناخ بن تفگار
لثم ی شیمزک جوک
دور وودبرد ه پیرغ

دیده بہت سدر گدمہا بہ

دراد ہ مادا

بدخونم ا جلاز مادست بہ جیب

محدثی خوکش گفت

از جیبم بردار بحر فاش نکن

کت را ببر خودش بدهد

شاید در جیب او امانت

است بینی شک میکنی

و آقا کیف زن را بررسی

مکن دیدی یک شماره

تکثر و کبر و آیدگیاری در آمد
نگهداشته است تو بددل
میشوی که ارسرطان
بدتر است ادامه دارد
نظر بدهید
و برای مردان - چون
فرهنگ بعضی خانمها به
حدی نرسیده که
در برابر محبت زیادیه شک
نیفتد

لذا مبادا اختیار خود را مخص
وصا مالی رایا حقوق
را بدست خانم بسپاری
شخصی حقوق خود را بنام
خانمش کرده بود خانم
هر جا که دلش میخواست
هزینه میکرد اما مرد خانه
برای پول سیگار مانده
بود خانم دیگر از آن
روز مرد را هم تحویل

نمیگرفت همه کاره شده
بود تا امتحان کامل
نکردید اختیار خود را به زن
و فرزند ندهید
وقتی به سن 60 رسیدی
دیگر حال حمام نداری
و همسرت میخواهد حمام
کند پس از مصرف
اعتیاد دوری کن و به
دکتر مراجعه کن تا عقب

نمانی

خانم مردوقتی به
رختخواب رفت مثل
جوانی با او بر خورد کن سن
وسال را حساب مکن
وهر لباس و پوششش
ورفتار را میخواهی به
شوهرت بگو تا آن کند
با با هزار بار گفتم کسی
در مال و مقام کسی

چشم ندارد فقط همه کس
از ہمدیگر محبت میخواهد
زن و مرد بی محبت
از خرید تراست خرجماعت
لا اقل در توپله خود را به
ہمدیگر میسایند
تو چرا از الاغ کمتری کہ
رفتار با محبت نداری ؟
ببخشید کہ رک گفتم
تو ہین نیست فرق حیوان

وانسان درک کردن است
همدیگر را درک کنید -- پیش
شوهر با مرد نامحرم
گفتگو مکن مکن مکن
خود را از نامحرم بپوشان
سینه باز در سفره
درست نیست آخه
تونا سلامتی آدمی
شخصیت داری تو مال
مردت هستی نه دیگری

اگر شوہر تو بازن نامحرم
به خندد چه حال داری ؟
و شوہر هم همان حال
رادارد

چند روز پیش خانمی زنگ
زد که من 7 ماه است
قهر کرده ام کاری کنید
مرا برگردانید من بخانه
شوهر رفتم پس از گفتگو

شوہر گفت طلاہا
وعکسہای عروسی زنانہ
را کھازخانہ بردہ بدهد
شاید آشتی کنیم من بہ
زن مراجعہ گفت
عکسہار ابا طلاہا دادم بہ
زن رختشوریکہ درخانہ
کار میکرد با مراجعہ بہ
خانم رختشوگفت کہ
پیشم نیست بالآخرہ

کار بہ آگاہی کشید معلوم
شد خانم وقتی اختلاف
داشتند انہارابہ
رختشودادہ کہ بعدا
میگیرم ورختشوہم وقت
رامغتم شمردہ ہمہ
رابالاکشیدہ درآگاہی
بعدا در داسرا ہرچہ شد
خانم رختشوبہ گردن
نگرفت واین زن

وشوہر 4 تاہچہ دارند کہ
برزگی 17 سالہ است
الان باداشتن
چہار فرزند پسر کار بہ تلاق
میکشد کہ من ازدادگاہ
دوماہ وقت گرفتم تاحل
وفصل کنم اصل ریشہ
اختلاف این بودہ کہ
شوہر بدنیال کارہست
روزی برای خود 18

ساعت کار میکند
در عمر بیست ساله
از دو واجشان دوبار زانو
فرزند را به بیرون و سیاحت
نبرده همه اش کار ناگفته
نماند که شوهر آنقدر پول
پرست است که با داشتن
میلیاردها ثروت در ماه
دو کیلو گوشت نمیخورد
و خانم که از خانوادہ

سرشناس اشت تحمل
کرده گویاشوهرزن
رافقط به خاطر ارضای
نفس نگهداشته بهر حال
گفتگوادامه دارد از طرفی
هم یک زن جوان متعلقه
وظاهرزیا به شوهر قول
ازدواج داده هیچکدام
از طرفین گناه خود را به
گردن نمیگیرند

اما از قرار معلوم زن
بددھن است ہر زمان کہ
ناراحت میشود بہ
شوہر و خانوادہ اش
ناسزا میگوید البتہ گفتنی
زیاد است من خلاصہ
کردم دقت فرمائید
در اول ازدواجها برای
ثروت زن ازدواج میشود
در مقابل ہم

ہمانطور وقتی بہ
مستغلات نگاہ میکنند
میگویند دختر ما را بہ
کسی دادیم کہ ماشین
دارد وغیرہ اما
نمیگویند آیا عاطفہ دارد
پسریکہ دارای ثروت
است عاطفہ و مردانگی
دارد یا نہ این شوہر را کہ
من میثناسم بخاطر

چنددرهم میتواند خانواده
اش را بفروشد اما خانم
باداشتن چهار فرزند به
هوای گشت و گذار است
واکنون اختلاف وتلاق
چرا؟ برای اینکه
طرفین همکف نبودند
از طرف ثرو
همطرا از بودند اما از طرف
انسانیت خانواده

شوهر فقط پول بنا بر این
در از دواجها حساب کنید
ایا این مرد مرد زندگی
است یا فقط ثرو
و هیچی یا این خاز
زیباست و با ثروت این
شوهر داری یاد گرفته
گویا نظر این خانم اینک
لا اقل یک وعد
غذا در بیرون بخورن

مردہم کہ اہل ایہ
کارہانیست 2 دراو
ببینید از نظریدز
مرد مریض هست
یاسالم یازن ایا مر
اعصاب ندارد الب
ہ امروزه بہ برکت دو
ت دهاتی همه مر
ض اعصابند بیائید درا
ل ازدواج چندمسئ

ہ را بررسی کنیم - ا
ا از نظر فیزیکی جسم
ی مردوزن سالمند □
نت زبان یا ساده لوحی
بی ملاحظہ در مهمانیها
رف زدن طرف کار
ست میدہد - وقتی پ
لی از هر کجا بدست اور
ید خانمها به شوهرت
رف کنید کہ قابل ندارد

ین چشم مرد درامیگیرد
نه اینکه مثل خانمی که
نه میلیون تومان از
رث پدر رسیده بود درخ
نه غوغا میگردید هید
کس جواب نمیداد آخر سرگ
ته شد بابا کسی در
ول توچ
می ندارد خود سرانه بر
به یکی نزول داد ا

هم بامقداری از طلب م
دم ناپدید شد این خانم ر
حت شد منظور اینکه بین
زن و شوهر اگر یکیت نب
شد اختلاف میشود اد
مه د

خانم برای خود دوستی
از زنان امروز نگیرید
اگر ہم مجبور به رفاقت
شدید لاقل حرف
خانواده را به اونگوئید
چون مردم از خود تو که
محرمتر نیستند تو که
نمینوانی
راز خود را نگهداری بیگانه

چہ لزومی
دارد دراز و اسرار تورانگہدار
د عیب شوہر را بہ کسی
مگو میگویند خوب شد
شوہر اینہم عیبی دارد
کسی بر ایدان کردم کہ
از عیب مردم ناراحت
باشد

